فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۷-۹۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۴

تأثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره)

محمد حسن خانی [۱]
دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)(نویسنده مسئول)
حسین محمدی سیرت [۲]
دانشجوی دکتری معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نظام برخواسته از اندیشه‌ی اسلام سیاسی، دارای مسائل مخصوص به خود در عرصه‌ی سیاست خارجی است. نسبت «منافع و امنیت ملی» و «ایدئولوژی» از جمله آن مسائل است که مقاله‌ی حاضر بدان می‌پردازد. به منظور پاسخ به این مسئلهدر قالب پژوهشی کیفی و با بهره‌گیری از چارچوبی تحلیلی- توصیفی،بردیدگاه رهبر کبیر انقلاب تأکید و سه متغیر مبانی ایدئولوژیک، امنیت ملی و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی مورد مطالعه قرار گرفت.امام‌خمینی(ره) به عنوان رهبری آرمان‌گرا و واقع‌بین، تعقیب و تأمین منافع ملی و امنیت ملی را پذیرفته، لکن در رویکردی اسلامی آن‌ها را بازتعریف می‌کند. در این منظر ایدئولوژی اسلامی با منافع و امینت ملی نسبت هم‌نشینی و هم عرضی ندارند، بلکه مفهوم مقوم و محوری اندیشه امام، اسلام سیاسی است که دیگر مفاهیم در طول آن معنا می‌یابند. در عرصه سلبی سیاست خارجی و استراتژیک، عقلانیت اسلامی حاکم و تهدیدات داخلی و خارجی، حفظ نظام جمهوری اسلامی را محور امنیت ملی در سیاست خارجی قرار داد و در گام بعدی امنیت جهان اسلام مطرح شد. در عرصه ایجابی سیاست خارجی و دیپلماسی، با تأکید بر مصلحت، منافع ملی جمهوری اسلامی هسته‌ی اصلی سیاست خارجی قرار گرفت و عناصر دیگری چون دیپلماسی عمومی و ملت‌گرا، عدم تعهد، جهان اسلام‌گرایی، حمایت از نهضت‌های آزدی بخش حول آن تعریف گردید. رویکرد امام گویای حاکمیت ایدئولوژی، کاربست عقلانیت در سیاست خارجی و پیوند آرمان‌ها و واقعیات است وایران بعد از انقلاب را بازیگری عقلانیدر عرصه سیاست بین‌الملل معرف است.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی(ره)، ایدئولوژی اسلامی، منافع ملی، امنیت ملی، سیاست خارجی ایران

1. khani@isu.ac.ir
2. mohammadisirat@chmail.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تشابهات زیاد با سایر دولت–ملت‌ها، تفاوت‌ها و تمایزاتی نیز با آنان دارد. مهم‌ترین وجه تمایز جمهوری اسلامی، ایدئولوژی مشروعیت بخش آن یعنی اسلام می‌باشد. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی نخستین دولت ملّی پس از «وستفالیا» است که بر اساس دین و مذهب پایه گذاری شده است. از این رو، ایدئولوژی اسلامی به کلیه ارکان و ماهیت جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهد. بنابراین، اگرچه، جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود چون دیگر کشورها رفتار می‌کند ولی در بسیاری از رفتارها و سیاست‌ها متمایز می‌نماید، چون بر عقلانیت و منطق رفتاری متفاوتی ابتناء یافته است. از این رو، در تحصیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هر دو وجه ملّی و اسلامی آن را باید مد نظر قرار داد(خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۴۸۳–۴۸۴).

انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا سیاست خارجی برقراری روابط مناسب با آمریکا، اسرائیل، اروپا و رژیم‌های دوست آمریکا در خاورمیانه به سیاست خارجی تقابل با غرب و اسرائیل تبدیل گردد و حمایت از حرکت‌های انقلابی و اصلاحی در منطقه خاورمیانه که دولت‌های طرفدار غرب و حکومت‌های سکولار را مورد هدف قرار داده بودند، در دستور کار قرار دهد(راکل، ۲۰۰۷: ۱۸۶). شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین اولویت‌های مهم سیاست خارجی ایران پس از انقلاب پایان بخشیدن به ۲۵ سال حاکمیت آمریکا در ایران بود. وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ به همان اندازه که مبین مخالفت تمامی ملت ایران با سیاست‌های داخلی شاه بود، نشان از ناخرسندی از سیاست خارجی او هم داشت(رمضانی، ۱۳۸۶: ۵۸) و حاکمانی که در پنج دهه گذشته به دنبال گسترش نظام‌های غربی و ایدئولوژی‌های سکولار در کشورهای خود بودند، ناکام ماندند. پان عربیسم، سوسیالیسم، سرمایه داری، مارکسیسم و پدرسالاری همگی ایدئولوژی‌هایی هستند که در برآوردن نیازهای مردم شکست خورده باعث شده‌اند که بسیاری از جنبش‌های فکری در منطقه به سمت الگوهای مذهبی روی بیاورند(نظری و قنبری، ۱۳۹۳:۱۸۰). انقلاب اسلامی ایران و نمونه‌ای از این چرخش‌ها به سمت الگوهای مذهبی است که بازتاب این الگو، در سیاست خارجی نیز هویدا است. اسلام و مبانی اسلامی موجب بازتعریف مقولات اصلی در عرصه‌ی سیاست خارجی گردید. مقاله‌ی حاضر تأثیر ایدئولوژی اسلامی بر دو مقوله اصلی در سیاست خارجی یعنی «امنیت ملی» و «منافع ملی» واکاوی می‌کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

پیرامون موضوع پژوهش، پیشینه‌ای مطرح است که به برخی از آنان اشاره می‌شود. در مقاله‌ای با عنوان «نسبت منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی(ره)» دکتر احمدی طباطبایی ضمن تشریح ادله متقن رسالت جهانی اسلام، توضیح می‌دهد که سیره سیاسی امام خمینی(ره) در تبیین نسبت منافع ملی نظام اسلامی با مسؤلیت‌های فراملی آن، دیدگاه سایر رویکردها در تضعیف یا حذف یکی از طرفین این نسبت به نفع دیگری را نفی کرده، مدعی یک رابطه مبتنی بر دیالکتیک تنافع (نفع دو طرفه) بین این دو حوزه از سیاست نظام اسلامی است(طباطبایی، ۱۳۹۰). خسرو قبادی در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نظری رابطه منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در انقلاب اسلامی ایران» به بررسی دو دیدگاه کلان تطابق و تباین در نسبت میان منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی پرداخته است. نویسنده در قالب رویکرد مصلحت عمومی به زمینه‌های انعطاف میان ایدئولوژی اسلامی و مصلحت عمومی پرداخته و تلاش دارد نظریه انطباق را در قالب این رویکرد تبیین نماید(قبادی، ۱۳۷٦). دکتر محمد حسن خانی در مقاله‌ی «نسبت اخلاق و منفعت در روابط بین‌الملل» به این سؤال توجه دارد که رابطه میان منفعت و اخلاق چیست؟ نویسنده رویکرد قالب را نقد کرده و معتقد است که باور به تعارض میان اخلاق و منفعت منجر گردیده است که در عرصه روابط بین الملل، بازیگران مجبور به انتخاب یکی از آن دو شوند و یا با مشیی ریاکارانه با حفظ ظاهری اخلاقی به دنبال کسب منافع باشند. وی قالب شدن رویکرد منفعت محور را مانعی اساسی در برابر تحقق آرمان شهر بشری و اندیشه جهان وطنی می‌داند(خانی، ۱۳۸۹). شهروز ابراهیمی معتقد است که واسازی دو نظریه کلان سیاست خارجی نشان می‌دهد ایدئولوژی در سیاست خارجی بسیاری از کشورها نقشی حداقلی دارد لکن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقشی جدی دارد. نویسنده معتقد است که بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گویای آن است که در بسیاری موارد سیاست خارجی ایران سیاست تغییر و یا عدم انطباق با منافع ملی را اتخاذ کرده است(ابراهیمی، ۱۳۸۸). مجموع آثار موجود در این حوزه در منظری ایجابی و یا سلبی نسبت سنجی دو گانه میان منافع ملی و یا امنیت ملی و ایدئولوژی را پرداخته‌اند و یا در منظری نقدانه ایدئولوژی را ناقض و متضاد با منافع و امینت ملی متصورند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن یک متغیر مستقل یعنی ایدئولوژی اسلامی و دو متغیر مستقل امینت و منافع ملی آن هم در عرصه‌ی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

سیاست خارجی، از منظر رهبر انقلاب، تلاش دارد تصویر متناسب و حقیقی از دو وجه دفاع و تهاجم را در سیاست خارجی ترسیم نماید.

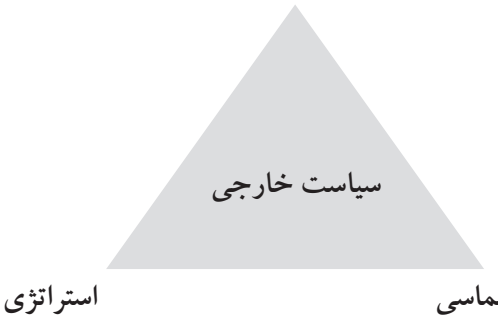
چارچوب نظری

مقاله حاضر، در چارچوبی تحلیلی‌توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(ره) را در چارچوب سه گانه‌ی ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی صورت‌بندی می‌کند. سیاست خارجی دولت‌ها متأثر از دو دسته عوامل است: دسته نخست عواملی که به ساختار داخلی آن‌ها مرتبط است. موقعیت جغرافیایی، ترکیب قومی و مذهبی، تجربه تاریخی، ویژگی سیستم‌های سیاسی و نخبگان آنان، منابع طبیعی، شرایط اقتصادی، توان نظام نمونه‌هایی از این عواملند. دسته دوم عواملی که به تحولات خارجی مرتبط هستند که شامل سیستم سیاست بین‌المللی و زیر سیستم‌های منطقه‌ای می‌شود(هانتر، ۲۰۱۰: ۱۰). پژوهش حاضر با تأکید بر عوامل داخلی سیاست خارجی، یکی از مهم‌ترین عوامل داخلی در مطالعه سیاست خارجی ایران، یعنی تمایلات ایدئولوژیک در اندیشه رهبر انقلاب را در نسبت با دیگر عوامل شکل دهنده‌ی سیاست خارجی مطالعه می‌کند. بر این مبنا، امام خمینی به عنوان یک رهبر کاریزماتیک انقلابی داعیه دار بازیابی بنیادهای اسلامی-اعتقادی، بوده است و بر این چارچوب سیاست خارجی ایران را هدایت می‌نمود و مفهوم اصلی در سیاست مداری ایشان مبانی اسلامی است. مفاهیم بنیادین در عرصه‌ی سیاست خارجی همچون منافع ملی و امنیت ملی در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی باز تعریف شدند و عملاً تعریفی جدید و متفاوت از منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی ایران ارائه شد. توجه ایشان به حوزه راهبردی و استراتژیک بیش از هر چیز ناشی از واقعیت‌ها و پیامدهای پیش‌آمده در برابر انقلاب اسلامی ایران و به ویژه جنگ تحمیلی ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ و در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نشأت می‌گیرد. رویکرد امام به حوزه دیپلماتیک نیز متأثر از پذیرش اصول اولیه موجود در نظام بین‌الملل و در راستای برقراری ارتباط سازنده با دیگر بازیگران این نظام، به ویژه کشورهای اسلامی و انقلابی، غیر متعهد و آزادی خواه است. سه مقوله ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی در تعامل با یکدیگر ماهیت سیاست خارجی ایران را می‌سازند و لازم است به منظور فهم و مطالعه سیاست خارجی ایران و نقش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ایدئولوژی اسلامی متأثر از اندیشه امام خمینی(ره) به این سه مقوله توجه کرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب مفهومی

۱. ایدئولوژی

مانهایم ایدئولوژی را دربردارنده نظام‌های درهم تنیده‌ی اندیشه و شیوه‌های تجربی‌ای می‌داند که شرایط اجتماعی آن‌ها را مشخص کرده و گروه‌های جامعه از جمله افراد درگیر در تفسیر ایدئولوژی در آن سهیم هستند(مانهایم، ۱۹۷۱، ٦۰). ایدئولوژی به مجموعه‌هایی از باورهای صریح یا نظام‌مند درباره سیاست اشاره و طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و بنیادهای نظری و عملی را در بر دارد(هالیدی، ۲۰۰۵: ۱۹٦). در ایدئولوژی کنش‌های معطوف به باور و عقیده مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

ایدئولوژی‌ها چارچوبی طرح می‌کنند که دولتمردان بدان واقعیت‌ها را ببینند. بنابراین انتظار نمی‌رود که به طور مستقیم در امور جزئی وارد شده، برای همه مشکلات، راه حل ارائه دهند و در سطح کلان عمل می‌کنند. ایدئولوژی حداکثر تعیین می‌کند آیا یک ملت در سیاست خارجی از طریق دیپلماتیک وارد شود و یا از زور استفاده نماید و بیش از این وارد نمی‌شود و علاوه بر آن، کارکرد درجه سومی هم دارد و آن، توجیه گزینه‌ها و تصمیمات سیاسی است(پاین، ۱۹۹۵: ٤). البته باید به این نکته توجه داشت که ایدئولوژی اسلامی در نگاه امام خمینی(ره) مدعی حضور در تمامی ابعاد زندگی فردی و جمعی مسلمانان است و صرف کلی‌گویی نیست.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

در اندیشه اسلامی نیز ایدئولوژی جلوه‌ای از دانش اداره زندگی است. ایدئولوژی «یک تئوری کلّی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیّت‌ها و تکلیف‌ها مشخّص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیّت‌ها برای همه افراد بوده باشد.»(مطهری، ۱۳۷۷: ٥٤) شهید مطهری دین را در ساحت عمل، همان ایدئولوژی می‌داند: «دین» همان است که ما بیشتر به کار می‌بریم، یعنی یک نظام و ایدئولوژی که دارای یک سلسله عقاید و بینش‌ها و شناخت‌هاست درباره جهان، خدا، انسان و جهان دیگر، و نیز مشتمل است بر یک سلسله دستورها برای رفتار در زندگی فردی و اجتماعی و اینکه چگونه باید بود و چگونه باید زیست(مطهری، ۱۳۷۷: ٦٤٢). البته باید در نظر داشت که ایدئولوژی اسلامی را نباید به مثابه بنیادگرایی اسلامی تعریف کرد، چرا که در بنیادگرایی اسلامی وجه اعتراضی و منفی اسلام برجسته می‌شود و وجه خشنی از اسلام پدید می‌آید که ذات منور اسلام را مخدوش می‌کند و نوعی خرق عادت است که بر خلاف آرمان نهایی اسلام عمل می‌کند(غرایاق زندی، ۱۳۹٤: ۱۲٤).

۲. استراتژی

استراتژی جنبه مفهومی و کلی دارد که تا حد زیادی- البته به مقتضای رژیم سیاسی کشور (اقتدارگرا، توتالی‌تر یا دموکراتیک) □ با تعریفی که از امنیت (فرد، رژیم و یا نظام سیاسی) می‌دهند، رابطه دارد. عموماً استراتژی به جریان کلی حاکم بر هماهنگ‌سازی امکانات و هدف‌ها برای تأمین خواسته‌های امنیتی اطلاق می‌شود(سیف زاده، ۱۳۸۲: ۹۳-۹٤). استراتژی سرچشمه‌ی هویت، ساختار، روند سازی است. مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها، استراتژی سازی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ایدئولوژی، رویکردهای فرهنگی، تنظیمات سازمانی و اجرایی، تأثیر و نفوذهای سازمان‌های سیاسی و نظامی، توانایی دولت در بسیج منابع اقتصادی، گزینش‌های فردی و رفتار و طرز تفکر ویژه‌ی دولت‌مردان و رهبران نظامی همگی بر این امر تأثیر دارند(موری، ۱۹۹۹: ۱۲).

استراتژی در تعاریف معمول سیاست خارجی با مفهوم امنیت گره خورده است و در این مقاله استراتژی مواردی را اطلاق می‌شود که امنیت ملی، در اندرکنش با سیاست خارجی قرار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

می‌گیرند. به دیگر سخن حوزه‌ی استراتژیک ناظر بر کنش‌هایی در سیاست خارجی است که معطوف به امنیت ملی است و یا زمینه‌هایی را نشان می‌دهد که امنیت بر سیاست خارجی اثر می‌گذارد و یا از آن متأثر است.

۳. دیپلماسی

دیپلماسی کنش‌های معطوف به گفتگو، مفاهمه و مصالحه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در برمی‌گیرد. در دیپلماسی، مواردی مورد اعتنا است که در کنار ایدئولوژی ملی، یک ساختار می‌کوشد تا منافع خود را از راه پذیرش قواعد اولیه و بنیادین حاکم بر عرصه روابط بین‌الملل محقق سازد. در این حوزه، نحوه تصویرسازی از محیط بین‌الملل و رهیافت و کیفیت تأمین منافع ملی مورد توجه است. دیپلماسی نمایان‌گر میزان و چگونگی ارتباط با گفتمان حاکم در عرصه بین‌المللی نیز می‌تواند باشد. اگر در حوزه ایدئولوژیک هویت و معنا و در عرصه استراتژیک امنیت و بقا مورد نظر بود، در موضوع دیپلماسی فهم واقع‌گرا–هم‌گرا از ارزش در راستای ارتباط سازنده و مسالمت‌آمیز با محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل مطرح می‌گردد(رضائی پناه، ۱۳۹٤: ۱۲٦).

٤. مبانی ایدئولوژیک رویکرد سیاست خارجی امام خمینی(ره)

انقلاب اسلامی مردم ایران موجب بازتاب و بازآفرینی گفتمان دینی در عرصه‌های گوناگون شد و تلقی حداقلی از دین را به چالش کشاند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک مرجع دینی، با شعارهای دینی و با محوریت مساجد و حسینیه‌ها، نه دفاتر احزاب سیاسی بزرگ، منادی حضور اجتماعی دین بود.

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رویدادی بود که اسلام را در دستور کار نظام بین‌الملل قرار داد؛ امری که از آن هنگام در غرب ترس هرگونه کنش سیاسی استوار بر اسلام را القا کرد؛ با این حال از دهه ۱۹۷۰ اسلام به سرچشمه مسلم اقتدار برای مسلمانان سراسر جهان و همین‌طور دولت‌های اسلامی تبدیل شده است(برگر، ۲۰۱۰: ۱–۵).

اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به روشنی بر این امر اشاره دارد: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین(قانون اساسس جمهوری اسلامی ایران). در قالب این گفتمان مبنای اصلی اداره حکومت ایدئولوژی اسلامی است.

ایدئولوژی اسلامی از چند راه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ نخست، این ایدئولوژی نقشی بسیار مهم در تعیین و تعریف هویت نقش ملی ایران بازی می‌کند. دوم، از راه تعیین هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی را تعریف می‌کند و به آن شکل می‌دهد. سوم، چارچوب فکری خاصی را پدید می‌آورد که واقعیت‌ها، پیام‌ها و اشارات محیط خارجی و سایر کشورها در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر می‌شود. چهارم، تعیین مراحل اصلی تحول تاریخی و تکامل اجتماعی–سیاسی، تصویری خاص از وضعیت حال و آینده جهان ارائه می‌دهد و چشم‌انداز معینی برا کشور ترسیم می‌کند. پنجم، ایدئولوژی اسلامی، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را برای داوری در مورد سیاست‌ها اقدامات و رفتارهای جمهوری اسلامی و سایر کشورها پدید می‌آورد(دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۹۰–۹۲).

نشانه‌ی مرکزی گفتمان ایدئولوژیک امام خمینی(ره) را اسلام سیاسی می‌سازد و مابقی نشانگان حول این رویکرد به اندیشه سیاسی آیت الله خمینی معنا می‌دهد. در ادامه به بیان برخی از این نشانگان ایدئولوژیک می‌پردازیم:

٤–١. اسلام سیاسی

در گفتمان امام خمینی دین اسلام، در رویکردی اجتماعی تعریف گردید. نسبت دین و سیاست از جمله موضوعاتی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و طرح مفهوم «اسلام سیاسی»، اهمیتی ویژه یافت و محل مناقشات بسیار گردید. واژه‌ی «اسلام سیاسی» را غرب برای نامیدن انقلاب اسلامی ایران و محصول آن و نیز برای نامیدن جنبش‌های اسلامی مشابه و تابع آن ابداع کرد و به کارگرفت. به رغم تنوع بسیار در میان گروه‌های اسلام‌گرا و اسلام سیاسی، کماکان انقلاب اسلامی ایران را کانون اصلی و نقطه‌ی مرکزی دایره‌ی اسلام سیاسی در جهان می‌شناسند(خرمشاد، ۱۳۸۷: ۵۰–۵۳).

در این میان چارچوب نظری حاکم در تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و منظر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) بر نظریه‌ی پیوند دین با سیاست و حکومت تأکید دارند،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

قدرت مادی و معنوی را با هم ممزوج می‌کند و نظام سیاسی موجود را بر این اساس طراحی کرده‌است. از بیانات امام خمینی(ره) معمار جمهوری اسلامی این رویکرد فهمیده می‌شود:

«اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شؤون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است... قرآن کریم و سنت پیامبر آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند.»(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج۲۱: ۱۷٦–۱۷۸).

امام(ره) اسلام را دارای ابعاد و اضلاع مختلفی و قوانین مشخصی برای اداره کشور می‌داند و معتقد است که «اسلام همان حکومت است با شؤونی که دارد و احکام اسلام، قوانین آن شأنی از شؤون حکومت اسلامی هستند.»(امام خمینی(ره)، ۱٤۲۱، ج۲: ٤٦۰). ایشان قوانین اسلام را نه صرف قوانین شریعت و دینی می‌داند که با حکومت مرتبط نیست، بلکه ایشان قواعد شریعت را همان قوانین حکومتی برای اداره کشور می‌داند. بنابراین در رویکرد امام(ره) اسلام دینی سیاسی و اجتماعی است که این تفکر با قرائت‌های سکولار فاصله‌ای جدی دارد. ایشان در همان در روزهای آغازین حرکت انقلاب بر رابطه سیاست و اسلام تأکید می‌کند و از اسلامی سخن می‌گوید که کاملاً سیاسی است و چنین قسم یاد می‌کند که «والله اسلام تمامش سیاست است»(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج۱: ۲۷۰).

٤-۲. وحدت اسلامی

امام خمینی (ره) در ضمن پذیرش مرزهای ملی موجود به عنوان یک ضرورت و ضمن اهتمام به تشکیل حکومت واحده‌ی جهانی صالحان به عنوان یک آرمان، سیاست بینابینی را مورد تأکید قرار می‌دهد و در این رابطه وحدت جهان اسلام و پیروی آن‌ها از ارزش‌های واحد به منظور گشودن جبهه ثالث در جهان را مورد عنایت خاص داشت. امام از وحدت در محور عنصر ایمان سخن می‌گوید و از عنوان امت واحده اسلامی بهره می‌برد که برخی نویسندگان از آن به انترناسیونالیسم اسلامی یاد می‌کنند.

ایشان در کتاب اخلاقی «چهل حدیث» وحدت تمامی انسان‌ها را به عنوان هدف انبیای الهی و ادیان آسمانی می‌داند و یکی از مقاصد بزرگ ادیان آسمانی که خود هدفی مستقل است و از سویی دیگر موجب پیشرفت و نیل به اهداف عالیه و تشکیل مدنیه فاضله می‌شود «توحید

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

کلمه و توحید عقیده است... و این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همه و الفت و صفای باطنی و صداقت قلبی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد، و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشند.»(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰: ۳۱۰).

امام خمینی(ره) دولتمردان و امت اسلامی را دعوت به وحدت اسلامی کرده، تأکید بر اصلاح و بهبود روابط میان مسلمان می‌نماید. ایشان از نخبگان جامعه اسلامی می‌خواهند که «کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.»(اماخمینی(ره)، ۱۳۸۹: ٥٦) و همچنین خطاب به ملت‌های مسلمان تأکید به استقلال و بهره‌مندی از ظرفیت‌های داخلی جهان اسلام دارد و به ملت‌های مسلمان چنین وصیت می‌کند: «انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید»(همان: ٥٦).

٤-۳. نفی نژادپرستی

امام ضمن تأکید به وحدت اسلامی که از بزرگان جهان اسلام می‌خواهد «ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند»؛(همان: ۳۹) از دیگر اصول اساسی و انسانی اسلام که نفی نژاد پرستی است سخنی می‌گوید و خطاب به عموم مسلمانان تأکید جدی دارد که «از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده(همان: ۳۹).

٤-٤. اصالت صلح

در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی یکی از مبانی ایدئولوژیک صلح طلبی است که بر اساس مبانی دینی اسلامی برداشت شده است.

«ما صلح می‌خواهیم. ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم باشیم. ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم. ما می‌خواهیم در بین مردم دنیا زندگی بکنیم»(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج۱۸: ۳۲۳).

امام هر نوع صلحی را نمی‌پذیرد و از صلح شرافتمندانه سخن می‌گوید:

«ما صلح را قبول داریم، ما صلح را استقبال می‌کنیم، لکن یک صلح شرافتمندانه اسلامی؛

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

صلحی که باید بفهمند که متجاوز چه کرده است، صلحی که باید خسارات این کشور جبران بشود، نه صلحی که از آن طرف بگوید: صلح، از آن طرف بفرستد و توپها را ببندد به مردم بی‌گناه بی‌چاره.»(همان، ج۱۷: ۲۸).

امام خمینی(ره) معتقد بودند که اسلام، اصل را بر صلح طلبی قرار داده است اما تحقق این مهم را بدون پیش بینی تمهیدات و سازوکارها و ضمانت‌های اجرایی لازم، مفید نمی‌داند لذا در صورتی صلح‌گرایی می‌تواند منجر به تحقق صلح و ثبات پایدار در جهان باشد که ملت‌ها به قراردادها فیما بین پایبند و بر ضرورت رعایت اصول و قواعد بشری التزام عملی داشته باشند. هم‌چنین امام خمینی(ره) بر این اعتقادند که صلح در صورت نفی خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی و تحقق محیطی امن، پایدار می‌ماند لذا در صورتی که منشأ نزاع‌ها و اختلافات یعنی خودگرایی به خداگرایی جهت یابد بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان خواهد دید(دهشیری، ۱۳۸۰: ۳٤۷-۳٤۸).

٤-٥. رعایت اصول اخلاقی

حاکمیت اندیشه دینی و اسلامی بر تمامی ابعاد اندیشه امام، منجر به اتخاذ سیاست خارجی متأثر از اخلاق اسلامی توسط ایشان شده است. امام اسلام را منظومه فکری می‌داند که بر رعایت اصول اخلاقی تأکید دارد و به انسان و حقوق انسانی وی توجه می‌نماید. اسلام انسان را موجودی دارای کرامت ذاتی می‌داند و «هیچ سازمانی و حکومتی به اندازه اسلام ملاحظه حقوق بشر را نکرده است. آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی است.»(امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹، ج۵: ۷۰).

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برخاسته از اسلام و معارف متعالی آن است و امام خمینی انقلاب اسلامی را ممزوج از اخلاق اسلامی می‌داند: «محتوای این انقلاب اسلام و اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی و تربیت انسانها بر موازین انسانیت بوده است»(همان، ج١٤: ٥٤).

٤-٦. دعوت

امام خمینی در چارچوب رویکرد اسلام سیاسی خویش و با الگو برداری از پیامبر اسلام که همگان را به آرمان اسلامی خود دعوت می‌کرد، اصل دعوت را از جمله برنامه‌های اساسی خویش می‌داند.

«سیاستی که در صدر اسلام بود یک سیاست جهانی بود. پیغمبر اسلام دستش را دراز کرده

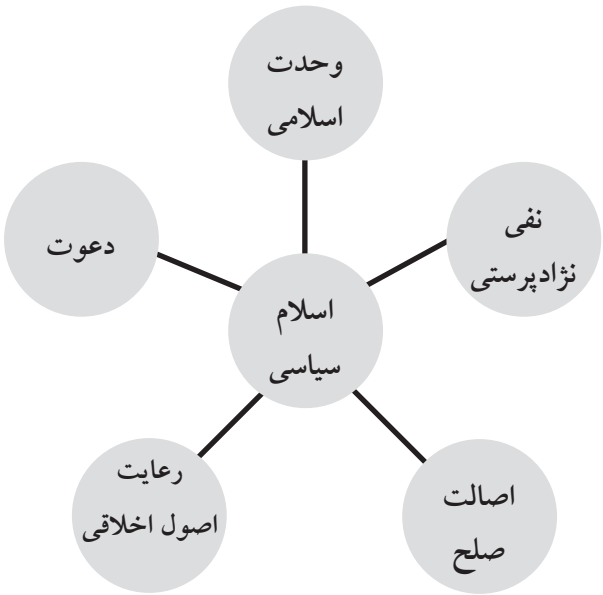
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بود در اطراف عالم و عالم را داشت دعوت می‌کرد به اسلام؛ و دعوت می‌کرد به سیاست اسلامی و حکومت تشکیل داد»(همان، ج۱۷: ۲۰٤).

لذا جمهوری اسلامی نیز داعیه دار دعوت جهانی به اسلام است.

«ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم- و لو یک الگوی ناقصی باشد- نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایتکارانِ بالذات هستند، همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می‌خواهد چه بکند در دنیا»(همان، ج۱۸: ۱۵۸).

ایجاد سازمان‌هایی همچون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کنار وزارت خارجه ایران در سطح ساختاری، و اصل «صدور انقلاب» در مقام مفهومی، از جمله نمودهای اصل دعوت در سیاست خارجی ایران است. امام خود نیز به اصل دعوت به صورت شخصی عامل بود و نامه ایشان به گوروباچوف رهبر شوروی سابق و دعوت او به مبانی اسلامی و اخطار به فروپاشی شوروی و اندیشه کمونیستی، از جمله اقدامات ایشان است.



مبانی ایدئولوژیک رویکرد سیاست خارجی امام خمینی(ره)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

۵. مؤلفه‌های استراتژیک در سیاست خارجی امام خمینی(ره)

یکی از مفاهیم اصلی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) تأکید بر حفظ و امنیت نظام برخواسته از انقلاب اسلامی ایران است. وجه استراتژیک سیاست خارجی اسلام‌گرای امام مبتنی بر کنش‌های استوار بر محاسبات امنیت پایه و سیاست‌های سخت افزاری بود. نقطه‌ی کانونی این حوزه را مفهوم امنیت امت اسلامی می‌سازد. از میانه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در نتیجه الزامات عینی این روند به سمت واقع‌گرایی سیر نمود و موضوع امنیت ملی ایران به عنوان «ام‌القرای» جهان اسلام و مستضعفین عالم بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. برخی از مؤلفه‌های اندیشه استراتژیک و امنیت پایه امام خمینی و مؤثر در سیاست خارجی بدین شرح می‌باشند:

۵-۱. حفظ نظام

امام خمینی(ره) حفظ نظام جمهوری اسلامی را در رویکردی ایدئولوژیک از واجب‌ترین دستورات اسلامی می‌دانستند:

«مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف(انقلاب اسلامی ایران) می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند»(همان، ج۱۹: ۱۵۳).

البته در عین حال امام حفظ نظام جمهوری اسلامی را نسبت به حفظ خود اسلام مأموریت دوم می‌داند:

«ما و شما دو مسئولیت داریم: یک مسئولیت کوچک، و یک مسئولیت بزرگ. مسئولیت کوچک حفظ کشور، حفظ نظام و پیشبرد نهضت و رعایت جهات نظمی و تربیتی افراد [است] که این مهم است، لکن کوچکتر از آن دومی است. دوم، حفظ مکتب و چهره اسلام. ما اگر چنانچه در آن امرِ اول پیش ببریم، البته پیشبرد بزرگ است. و اگر شکست هم بخوریم، شکستش هم بزرگ. لکن با حفظ چهره اسلام و حفظ مکتب، شکست آخری برای ما نیست»(همان، ج۱۰: ۱۰۶).

امام خمینی در واقع با همراهی دفاع از نظام و دفاع از اسلام، میان ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی تلفیق ایجاد کردند. اصل حفظ نظام در چارچوب مرزهای ملی ایران به عنوان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

سرزمین استراتژیک، به صورت طبیعی پیگیری می‌شود، لکن دفاع از نظام در قالب هویتی کلان‌تر، یعنی هویت اسلامی تعقیب می‌شود. در هویت اسلامی مرز استراتژیک بر اساس گزاره‌های ایدئولوژیک تعریف می‌گردد و جغرافیای اسلامی مد نظر است. دفاع از اسلام فراتر از مرزهای ملی و در مرزهای سرزمین اسلامی و جهان اسلام معنا می‌یابد. بنابراین شاهد دو مرز ملی و ایدئولوژیک هستیم. از آن‌جایی که امام خمینی(ره) نظام سیاسی ایران را در نظام عقیدتی بزرگتری، یعنی نظام عقیدتی و فکر اسلام تعریف می‌کند، تفکیک معنا داری میان این دو مرز وجود ندارد، بلکه مرزهای ملی در حد اقتضائات رایج و معمول بشری و واقعیت حاکم بر نظام بین‌الملل مورد احترام است و اصالت ندارد، لکن مرز عقیدتی مرزی اصیل و مقدم بر اصالت‌های بشری و مدرن است.

نکته‌ای در این میان باید مورد توجه قرار گیرد آن است که اگر چه مرزهای اسلامی و ژئوایدئولوژی بر مرزهای ملی و ژئواستراتژی مقدم است، لکن عقلانیت انقلابی و مصلحت اندیشی بر خواسته از فقه شیعه، در مقام عمل و در رویکردی واقع‌بینانه، تقدم اجرایی و امکانی را بر حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران در چارچوب‌های مرز ملی می‌پذیرد و از همین روست که امام(ره) حفظ نظام را از اوجب واجبات می‌داند.

۵-۲. ایجاد جبهه مسلمانان و مستضعفین عالم

امام خمینی(ره) دفاع از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان جهان را بر همه از جمله بر جمهوری اسلامی، لازم می‌شمرد و در رویکردی هنجاری به امنیت از امنیت دسته‌جمعی مسلمانان و مستضعفان سخن می‌گفت:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دوَل اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دوَل استعمارطلب.»(همان، ج ۱: ۳۳۶).

در رویکرد سیاست خارجی امام اصل اسلام مداری همراه اصل مستضعف مداری بوده و در تنظیم مناسبات خارجی با هدف ایجاد جبهه‌ی متحدی در برابر فزون خواهی دشمنان برجستگی خاصی می‌یابد:

«ملت آزاده ایران هم اکنون از ملتهای مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقشان توپ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضتهای آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.»(همان، ج۱۲: ۱۳٦).

این رویکرد خود را در فعالیت‌های برون مرزی ایران و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش مسلمان و غیر مسلمان در نقاطی چون لبنان، فلسطین، لیبی و ... نشان داد و واحدی را در سپاه پاسدارن ایران ایجاد کرد به نام واحد نهضت‌های آزادی بخش که امروز با عنوان سپاه قدس شناخته می‌شود.

۵-۳. نفی سلطه پذیری و استکبار ستیزی

یکی از اصول مهمه در رویکرد ایدئولوژیک امام خمینی(ره) به مفهوم منفعت ملی، تلاش در تأمین منافع ملی در رویکردی ظلم ستیزانه است. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این منظومه فکری در شرایطی تأمین می‌شود که جامعه مسلمان ایران تحت سلطه کفار قرار نگیرد و ظلمی بدان نشود. ایشان ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانند و با توجه به آیه ۱٤۱ سوره نساء در قرآن کریم («وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»)، اذعان می‌دارند:

«ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه.»(همان، ج٤: ۹۱).

در راستای همین اصل امام از ابتدای شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳٤۲تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تا پایان عمر بر استکبار ستیزی تأکید و بارها آمریکا را به عنوان نماد اصلی استکبار یاد کرده بود.

۵-٤. استقلال و خودکفایی

تأکید بر استقلال و عدم وابستگی به دیگران در اندیشه امام خمینی(ره) جایگاهی مهمی داشت و ایشان معتقد بودند استقلال اقتصادی است که موجبات امنیت اقتصادی کشور را فراهم می‌آورد. در رویکرد امام خمینی(ره) و بر اساس مبانی اسلامی منافع حقیقی در استقلال و عدم وابستگی به غیر ممکن است، لذا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تأکید می‌کند خودکفایی ضامن حقیقی تأمین منافع ملی و نمی‌توان به رفاه در وابستگی رضایت داشت زیرا اصالت ندارد و تضمینی بر تأمین منافع ملی در عرصه‌های اقتصادی نیست:

«ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم: اگر ما گرسنه باشیم و پیاده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

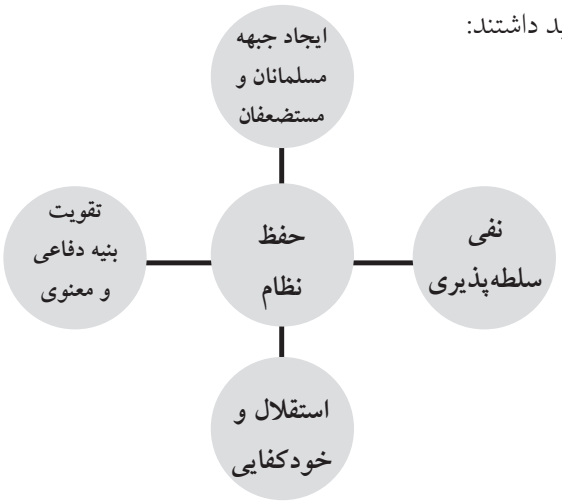
راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم، این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم. و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزش‌های اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم.»(همان، ج١٦: ٥٢٤).

۵-۵. تقویت بنیه دفاعی و معنوی

از دید امام خمینی با توجه به شرایط خاص ایران در دنیا تقویت بنیه نظامی یک اولویت است:

«در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعه تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزشهای اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبادا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.»(همان، ج ۲۱: ۳۵۸).

البته امام خمینی(ره) بر خصایص روحی و معنوی قدرت به ویژه ابعاد ایدئولوژیک آن تأکید می‌کرد. ایشان بهره‌گیری از قدرت مادی به ویژه تسلیحاتی و تبلیغاتی را ضروری می‌دانستند ولی در عین حال به تقویت قدرت ایمان و قدرت معنویت توصیه می‌کرد و قدرت معنوی را مقدم بر قدرت مادی می‌دانست و بر مرکزیت قدرت خداوند متعال به عنوان منشاء تمامی قدرت‌ها تأکید داشتند:



مؤلفه‌های استراتژیک در سیاست خارجی امام خمینی(ره)

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

«شما که با قدرت الهی دارید حرکت می‌کنید قدرتمندید. عدد کم بودن اشکال ندارد، ایمان قوی بودن مهم است.»(همان، ج۱۸: ٤٣٩). «همه ملت ما امیدشان را به خدای تبارک و تعالی که منبع قدرت است و منبع نور است، امید خودشان را به او ببندند و هیچ توطئه‌ای را از آن نترسند.»(همان، ج۱۳: ١٤٩).

٦. مؤلفه‌های دیپلماتیک در سیاست خارجی امام خمینی(ره)

زاویه دیپلماتیک گفتمان سیاست خارجی امام ناظر به کنش‌های استوار بر الگوهای پذیرفته شده گفتگو و مذاکره می‌باشد. این پهنه، جایگاه نمودیابی مصلحت‌گرایی و نوگرایی در گفتمان ایشان بوده، که به گرد نشانه مرکزی «منافع ملی» مفصل بندی شده است(اسدی، ١٣٩٤: ٢٨). به باور امام خمینی «در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز...» و این مصلحت ایجاب می‌کند که در کنار تأمین ارزش‌ها و، قواعد نظام بین‌الملل که از دید اسلام نیز پذیرفته است، بستری را برای تعامل و گفتگو با جهان قرار داد. علاوه بر مصلحت گرایی بر محور منافع ملی کشور اسلامی ایران، نشانه‌ها و دال‌های دیپلماتیک برجسته دیگر در گفتمان سیاست خارجی امام مطرح است بدین شرح:

٦-١. دیپلماسی عمومی و ملت گرایی

دیپلماسی عمومی تلاش‌ها و اقدامات حکومت یا دولت برای تأثیرگذاری بر اذهان و افکار نخبگان و عامه‌ی مردم کشورهای دیگر ارزیابی می‌شود و با این نیت صورت می‌گیرد که کشور هدف، سیاست‌ها و ایده‌ها و آرمان‌های کشور عامل را خودی تلقی کند و با آن احساس این همانی داشته باشد(شیخ الاسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ۵۰و ۵۱). بر این اساس در بسیاری از پیام‌های سیاسی و در حوزه سیاست خارجی امام خمینی(ره) در رویکرد متفاوت نسبت به آن سال‌ها در عرصه روابط بین الملل، عموم ملت‌ها و مردم را خطاب قرار می‌داد:

«هان ای ملتهای جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عربده‌های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست. و وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است. از خداوند تعالی غلبه محرومین را خواستار و وحدت کلمه اهل حق را امیدوارم.»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۲: ۱۳۸).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

٦-٢. دیپلماسی نرم افزاری و صدور انقلاب

مجموعه‌ای از عناصر در گفتمان امام خمینی(ره) منجر به ارائه ایده «صدور انقلاب» گردید که می‌توان به سه عنصر اصلی اشاره کرد: نخستین عنصر تکلیف گرایی ایدئولوژیک است. امام قبل از این که یک رهبر سیاسی و انقلابی باشد یک مرجع دینی و روحانی است که در چارچوب تفکر شیعی به سیاست و حکومت می‌پردازد. از این رو جمهوری اسلامی ایران از نظر ایشان یک دولت اسلامی است که بر پایه‌ی جهان شمولی ایدئولوژی اسلامی، مسئولیت‌ها و تکالیف فرا ملی دارد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک حکومت اسلامی موظف است در قالب اصل دعوت، پیام انقلاب اسلامی را به گوش تمامی مسلمانان، مستضعفان و علاقه‌مندان حق و حقیقت برساند و «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است.»(همان، ج١٢: ١٤٨).

دومین عنصر گفتمان صدور در اندیشه امام خمینی تحول‌گرایی به معنای تلاش برای تغییر وضع و نظم موجود بین‌المللی است.

سومین عنصر واقع گرایی هنجاری است و بر خلاف تفاسیر بسیار آرمانی و رادیکال از صدور انقلاب در اندیشه امام، رویکرد ایشان ماهیتی واقع بینانه و تدریجی دارد.

معنای صدور و کارکردهای انقلاب در اندیشه امام، آگاهی بخشی، رهایی بخشی و انقلاب مستمر است و تبیین و ترویج و معرفی آرمان‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به صورت صدور فرهنگی چهارمین معنا و مفهوم از صدور انقلاب اسلامی است. صدور انقلاب در منظومه فکری امام سرشتی قهرآمیز ندارد بلکه راهبردی فرهنگی برای فراگیر نمودن گفتمان انقلاب اسلامی ایران است(دهقانی فیروزآبادی، ١٣٨٩: ٤٥-٦٠). امام خمینی(ره) در این موضوع چنین می‌گوید:«ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد»(امام خمینی، ١٣٨٩، ج١٨: ٢٢).

٦-٣. عدم تعهد (نه شرقی و نه غربی)

سیاست عدم تعهد را می‌توان در دو بعد خرد و کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سیاست عدم تعهد در سطح میکرو همان موازنه منفی و دوری گزینی همسان در قبال قدرت‌های مداخله‌گر به صورت انفرادی است اما در سطح ماکرو به معنای اجتماع و اتحاد مجموعه‌ای از کشورهای غیر متعهد به دو بلوک قدرت برای تحکیم جایگاه و موقعیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

خویش در عرصه بین‌المللی است(دهشیری، ۱۳۷۸: ۱۵).

امام خمینی(ره) اتخاذ سیاست عدم تعهد در سطح خرد را با تأکید بر جنبه‌ی نفی و طرد استعمارگران غرب و شرق پیگیری نموده و آن را با صبغه‌ی مذهبی و ایدئولوژیک تلفیق نموده و با سیاست «نه شرقی و نه غربی» مطرح کرد. این سیاست طرد استیلاجویی امپریالیسم و سوسیالیسم و نیز عدم پذیرش حمایت تمامی قدرت‌ها به جز خداوند بزرگ را مبنا قرار داد. دولت برخواسته از این رویکرد یک دولت اسلامی است که خود را در بلوک‌بندی‌های جهانی تعریف نمی‌کند، بلکه برای خویش هویتی مستقل قائل است و به تعبیر امام «دولت اسلامی ما آزاد و مستقل خواهد بود. و تعادل قوا در این منطقه از جهان به هیچ وجه نباید تغییر یابد. ما نه به سوی غرب و نه به طرف شرق گرایش خواهیم داشت و می‌خواهیم یک جمهوری بیطرف و غیر متعهد باشیم.»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۵: ٤٨٨).

ایشان معیار رایج در بلوک بندی و تقسیم‌بندی‌های نظام بین‌المللی را معتبر نمی‌شمارد و از معیاری ظلم و عدل، ظالم و مظلوم سخن می‌گوید: «ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست. ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم. این یک وظیفه اسلامی است.»(همان، ج۱۲: ۱۳۸).

در سطح میکرو امام خمینی با دعوت همه کشورهای اسلامی به اتخاذ سیاستی مستقل از شرق و غرب، معتقد بود سیاست عدم تعهد انفعالی نمی‌تواند کارساز باشد بلکه کشورهای اسلامی بایستی با اتحاد با یکدیگر به مقابله‌ی فعال علیه قدرت‌های سلطه گر بپردازند و سیاست عدم تعهد معترض علیه نظم موجود در عرصه‌ی بین المللی را به منصه‌ی ظهور برسانند.

امام(ره) از روزگار و نظم جهانی آرمانی خویش چنین یاد می‌کند که «خوشوقتی کامل ما آن روزی است که سلطه همه استعمارگران شرق و غرب و بخصوص امریکای جهان‌خوار از سر مسلمانان قطع و عموم پیروان مکتب مقدس اسلام بتوانند با کمال برادری و محبت استقلال خود را به دست آورده و عظمت از دست رفته خود را بازیابند.»(همان، ج۱۲: ۱۹۱).

٦-٤. پذیرش محدود و مشروط اصول، نظام و سازمان‌های بین‌المللی

امام در مجموع ساختار بین‌المللی را ساختاری حامی قدرت‌های بزرگ و استعماری می‌دانست و تقاضای تحول در ساختار نظام بین‌الملل را داشته است، لکن در کنار این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

رویکرد انتقادی برخی ساختارها و سازمان‌ها را که بارویکرد ایدئولوژیک اسلامی در تضاد نبود می‌پذیرفت. همکاری با سازمان ملل در روند صلح با عراق در جریان جنگ تحمیلی نمونه‌ای از این رویکرد است.

٦-٥. پایبندی به معاهدات

حضرت امام احترام به قرار دادها و عدم نقض آن‌ها را لازم می‌دانستند و بین قرار دادهایی که بر اثر اضطرار با اراده و اختیار ملت مسلمان ایران، منعقد شده و معاهداتی که بر اثر اکراه و اجبار به دلیل سلطه و تحکم یک قدرت بر ملت مسلمان ایران، انعقاد یافته است تمایز قائل بودند و کلیه قراردادها و تعهداتی را که دولت اسلامی با استقلال کامل آن را قبول کرده است، برای خود الزام آور می‌دانستند. به عنوان نمونه پیرامون قطعنامه ۵۹۸ آتش بس با کشور عراق چنین می‌گوید:

«من باز تأکید می‌کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم، و هر گز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود»(همان، ج۲۱: ۱۳۳).

٦-٦. اصالت مذاکره و احترام متقابل

رویکرد امام خمینی نسبت به نظام حاکم بر روابط بین‌الملل رویکردی انتقادی بود و این رویکرد تداعی کننده‌ی آن بود که ایران اهل مذاکره نیست که امام این رویکرد را رد کرده لکن مذاکره در چارچوب احترام متقابل را می‌پذیرد:

«ما هرگز داخل درهای بسته زندگی نمی‌کنیم، ولی این درها را نیز برای استعمارگران باز نمی‌نماییم که اکنون شاه چنین کرده است. روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس با هر کشوری که مایل باشد با احترام متقابل عمل می‌کنیم.»(همان، ج۵: ۸۰).

ایشان بر روابط مسالمت آمیز و محترمانه‌ی متقابل با دیگران تأکید داشتند و در تبیین این اصل در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، «روابط ما با تمام خارجی‌ها بر اساس اصل احترام متقابل»(همان، ج٤: ٢٤٨) می‌دانستند. این رابطه‌ها باید به گونه‌ای است که «نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد.»(همان، ج٤: ٢٤٨).

امام به عنوان یک عالم، فقیه و مرجع دینی غایت تعلیمات اسلامی را «همزیستی مسالمت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

آمیز در سطح جهان»(همان، ج۱۸: ۹٦) می‌داند و در این مهم را بارها از خداوند متعال خواسته است: «من از خدا می‌خواهم که به همه دنیا سلامت و به همه دنیا، به کسانی که مظلوم هستند قدرت و سلامت عنایت کند که همه همزیستی داشته باشند. همزیستی مسالمت‌آمیز با هم داشته باشند.»(همان، ج۱۸: ۳۲٤).

٦-۷. صلح گرایی

امام خمینی(ره) با توجه به مبانی ایدئولوژیک اسلامی معتقد به اصالت صلح در روابط انسان‌ها بود و جمهوری اسلامی و ملت ایران را تابع اندیشه‌ی صلح‌گرای اسلامی می‌دانست:

«ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند؛ و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملتهای اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند؛ و صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز را با تمام دولتها و ملتها طالب می‌باشند.»(همان، ج١٦: ٤٧).

در منظر و مشی فقهی امام(ره) انسان دوستی و صلح جهانی یک اصل است و نظام سیاسی بر خواسته از این رویکرد نیز آرمانی چنین دارد:

«جمهوری اسلامی که بر مبانی فقه و احکام اسلامی استوار است چیزی نیست جز بشر دوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است.»(همان، ج۵: ۵۳۷).

از نظر امام(ره) صلح‌گرایی زمانی می‌تواند منجر به تحقق صلح و ثبات پایدار در جهان باشد که ملت‌ها به قراردادهای بین‌المللی پایبند و بر ضرورت رعایت اصول و قواعد بشری التزام عملی داشته باشند.

٦-۸. جهان اسلام گرایی

امام خمینی ضمن پذیرش مرزهای ملی موجود به عنوان ضرورت و ضمن اهتمام به تشکیل حکومت واحده‌ی جهانی صاحان به عنوان آرمان، وحدت جهان اسلام و پیروی از ارزش‌های واحد به منظور گشودن جبهه‌ی ثالث در جهان را مورد توجه داشت(دهشیری، ۱۳۷۸: ۳٥٤).

لذا با تأکید بر سیاست وحدت میان دولت-ملت‌های اسلام، آن را مرحله‌ای واسط برای تحقق امت واحده‌ی جهانی و ظهور منجی قلمداد می‌نماید:

«برنامه‌ی ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دوَل اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دوَل استعمارطلب.»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۳٦).

انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب مبتنی بر آرمان‌های بلند اسلامی، موجب شد سیاست خارجی ایران از چارچوب دولت–ملت به چارچوب دولت–امت منتقل شود و دولت جمهوری اسلامی ایران خود را منادی و پرچم‌دار سربلندی و عظمت اسلام و اسلامیان (امت اسلامی) قلمداد کند(حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۳۲–۳۳۳).

انگیزه‌ها و علایق فراوانی را برای پیگیری وحدت اسلامی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب می‌توان برشمرد. نخست، تأمین امنیت ملی از طریق ایجاد نظمی استوار بر هم‌گرایی و اتحاد سیاسی. دوم، استفاده از راهبرد اتحاد و ائتلاف برای افزایش قدرت ملی از طریق موازنه سازی برون‌گرا در برابر تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران. از دیدگاه سیاسی، سومین انگیزه و هدف از اتحاد و وحدت جهان اسلام، ایجاد یک بلوک و قطب قدرت اسلامی در نظام بین الملل است که مستقل از قطب‌های دیگر منافع جهان اسلام را تأمین نماید. چهارم، اتحاد و وحدت جهان اسلام از نظر اقتصادی نیز می‌تواند منافع مشترک ایران و دیگر کشورهای اسلامی را تأمین کند(ر.ک دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۹–۱٦۹).

٦–۹. آنارشیسم بین المللی

به چالش گرفتن اصالت و مشروعیت ساختار ناعادلانه نظام بین الملل در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) است(خانی، ۱۳۸۷: ۳۵۸).

«ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملتهای در بند مظلوم، به دست مشتی جنایت پیشه که خوی سبُعیت بر آنان غالب است می‌باشد. دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومتهایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی‌کند. ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می‌شوند. ما در عصری به سر می‌بریم که سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند.»(امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۷: ۵۰۰).

٦–۱۰. حمایت از جنبش‌های آزادی بخش

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مفهوم «دیپلماسی حمایت» یا «رفتار حمایت‌گرایانه» جایگاهیی ویژه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد و بهره گیری از این دیپلماسی نتایج مثبت فراوانی نظیر «تقویت دیپلماسی عمومی» در پیشبرد سیاست خارجی داراست و از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به «تعمیق اهداف استراتژیک» اشاره کرد که بیان‌گر گسترش میزان نفوذ پذیری است(درخشه و کمالی، ۱۳۹۵ :۵۱). در این راستا یکی از جدی‌ترین مأموریت‌های سیاست خارجی ایران در نگاه امام حمایت از نهضت‌های آزادی بخش در سراسر دنیا است. حمایت از نهضت‌های آزادی بخش نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی، هگو چاوز در ونزوئلا، یاسر عرفات در فلسطین،... از جمله این اقدامات می‌باشد. و در تحلیل معادلات قدرت در هندسه جدید خاورمیانه و در تخمین روندهای آتی دگرگونی در این منطقه باید از صرف بررسی هدف و کنش بازیگران دولتی فراتر رفت و به ارزیابی نفوذ و دامنه فعالیت‌های گروه‌های غیر دولتی و سازمان‌های مستقل یا نیمه مستقل از دولت پرداخت. در این میان گفتمان اسلام سیاسی برگرفته از انقلاب ایران محرکی برای بسیاری از این گروه‌ها بوده است(دهشیری و مقامی، ۱۳۹٤: ۱٦۳).

«ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.»(همان، ج۱۲: ۱۳۸).



مؤلفه‌های دیپلماتیک در سیاست خارجی امام خمینی(ره)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر واکاوی اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام با تاکید بر مفاهیم کلیدی منافع ملی و امنیت ملی است که رویکردی نوین از نسبت سنجی این مفاهیم در اندیشه امام محسوب می‌شود. بازیابی نقش دین در عرصه اجتماع دغدغه‌ی اساسی امام خمینی(ره) از ابتدای آغاز انقلاب اسلامی بود و شاید مهم‌ترین کاری که ایشان در عرصه‌ی بین‌المللی و جهان اسلام انجام داد همین احیای دین اجتماعی بوده است. امام(ره) بر اساس همین رویکرد تمامی ابعاد زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی را از دریچه ایدئولوژی اسلامی می‌دید و سیاست داخلی و خارجی در منظر ایشان امری خارج از این چارچوب کلی نیست. انقلاب اسلامی ایران به رهبری وی رهیافتی نوین از انقلاب‌ها را معرفی نمود که هسته‌ی مرکزی آن اسلام سیاسی و اسلام اجتماعی است. سیاست خارجی در اندیشه امام(ره) نیز در همین چارچوب تعریف می‌گردد. امام خمینی(ره) به عنوان رهبری دینی و فقهی سیاست‌شناس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در گفتمان غالب اسلامی، آن هم نه با قرائتی سکولار، بلکه کاملاً فعال در عرصه سیاست، تبیین و طرح‌ریزی نمود. بنابراین سیاست خارجی در منظومه فکری امام(ره) همچون دیگر موضوعات از دریچه ایدئولوژیک تعریف می‌شد و روح حاکم بر آن مبانی اسلامی است.

عقلانیت انقلابی واقع‌بین و آرمان‌خواهی اسلامی از سویی و تهدیدات داخلی و خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران همچون جنگ تحمیلی، ترورها، غائله‌های قومی و مذهبی از سوی دیگر، جایگاه امنیت و استراتژی‌های امنیت ملی را برجسته نمود. بنابراین امام خمینی(ره) به عنوان رهبری آرمان‌طلب و واقع بین، حفظ اصل نظام را بر تمامی اقدامات دیگر در روابط خارجی اولویت بخشید و بر همین محور دیگر عرصه‌های استراتژیک و امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برنامه ریزی نمود. یکی از اصلی‌ترین این اقدامات ایجاد جبهه جهانی مستضعفان در برابر مستکبران عالم است. امام(ه) تلاش داشت نظام امنیتی خویش را به امنیت جهان اسلام پیوند زند و بیرون از دو بلوک غرب و شرق، جبهه‌ی سومی را طرح‌ریزی نماید.

البته رویکرد سیاست خارجی امام خمینی(ره) صرفاً تدافعی و منفعل نبود، بلکه در رویکرد ایجابی و فعال، دیپلماسی انقلابی و انتقادی مورد نظر خویش را ترسیم نمود. اصل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

صدور انقلاب از جمله ایده‌هایی است که رویکرد فعال و تهاجمی امام(ره) در عرصه سیاست خارجی را در آن سال‌ها بیان‌گر است. اعتقاد به آنارشیسم بین‌المللی و پذیرش محدود و مشروط نظام‌ها و پروتوکول‌های جهانی نیز از دیگر جلوه‌های انتقادی در اندیشه‌ی سیاست خارجی رهبر فقید انقلاب اسلامی است. البته امام خمینی(ره) بر اساس همان عقلانیت واقع بین و اولویت حفظ نظام جمهوری اسلامی و بر مبنای مصلحت گرایی دینی و ملی، در کنار آرمان‌های انقلابی خویش در صدد تأمین منافع ملی در کنار دیگر عناصر دیپلماسی اسلامی برآمد. ایشان با پذیرش مشروط معاهدات بین‌المللی، ارائه‌ی رویکردی صلح‌گرایانه، ترویج اندیشه‌ی برادری اسلامی و تأکید بر هم‌زیستی مسالمت آمیز، چارچوبی عقلایی و دینی به منظور تأمین منافع‌ملی ارائه داد.

امام خمینی(ره) بر اساس مبانی شناختی خویش و با توجه به جایگاه عقل در اسلام و به خصوص در مذهب تشیع، آرمان‌ها و واقعیات را به شکلی منطقی نسبت سنجی نمود و منافع ملی و امنیت ملی را در چارچوب ایدئولوژی اسلامی هم‌زمان و با اولویت قرار دادن حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و مصلحت آن پی‌گیری نمود. منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی امام محور اساسی دیگر اضلاع و عناصر سیاست خارجی است و نمی‌توان امام خمینی(ره) و جمهوری اسلامی را بازیگرانی صرفاً آرمان‌گرا و غیر واقع بین خواند، بلکه آرمان امام و فهم اسلامی وی، آرمان و واقعیت را تؤمان تعریف کرده است. بر خلاف تصور برخی از اندیشمندان عرصه سیاست خارجی، ایران در عرصه بین‌الملل بازیگری منطقی است و نمی‌توان بر اساس شعارها و آرمان‌طلبی غیر عقلانی سیاست خارجی ایران را توصیف و تبیین نمود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

منابع

قرآن کریم

اسدی، ناصر، قنواتی، نگار، رضائی‌پناه، امیر (۱۳۹٤). «چارچوبی تحلیلی برای بررسی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(ره)(ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی)»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، بهار، شماره ۱۲، صص ۹-۳٦.

امام خمینی(ره) (۱۳۷۹). *چهل حدیث*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی(ره) (۱۳۸۹). *صحیفه‌ی امام*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره)، ج۱-٤-۵-۱۰-۱۲-۱۳-۱٤-۱٦-۱۷-۱۸-۱۹-۲۱.

امام خمینی(ره) (۱۳۸۹). *وصیت نامه الهی و سیاسی*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره).

امام خمینی(ره) (۱٤۲۱). *کتاب البیع*، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره)، ج۲.

حاج یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی و تغییر و تداوم سیاست خارجی ایران»، *کتاب گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، صص۳۰۹-۳۳٦.

خانی، محمد حسن (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل»، *کتاب گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، صص۳۳۷-۳٦۱.

خرمشاد، محمد باقر (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی»، *کتاب گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، صص۱۳-۵۸.

خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). *سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

درخشه، جلال و کمالی، علی (۱۳۹۵). «بازنمایی کنش حمایتگرایانه در آیینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۱، صص۲۹-۵٤.

دهشیری، محمد رضا (۱۳۷۸). «امام خمینی و راهبردهای سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، زمستان، شماره ۱۱، صص۱۰-۲۲.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، *فصلنامه سیاست خارجی*، تابستان، شماره ۵۰، صص۳۲۹-۳۵٦.

دهشیری، محمدرضا، مقامی اسماعیل (۱۳۹٤). «بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ٤، صص۱۵۷-۱۸۰.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

رضائی پناه، امیر، نگین نعمت الهی (۱۳۹٤). «مبانی شیفت پارادایمی در سیاست خارجی ایران از عصر پهلوی به دوران جمهوری اسلامی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۱۹-۱٤٦.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

رمضانی، روح‌الله (۱۳۸٦). *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.

سیف زاده، سید حسین(۱۳۸۲)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۲). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، *فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام*، سال سوم، شماره ٤، صص٤۹-۷٤.

غرایاق زندی، داود (۱۳۹٤). «اسلام و روابط بین‌الملل: رویکرد هستی شناختی»، *فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ٤، صص۱۱۳-۱۳٦.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *انسان و ایمان*، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *آشنایی با قرآن*، تهران: انتشارت صدرا.

نظری، علی‌اشرف و قنبری، لقمان (۱۳۹۳). «شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰-۲۰۱٤»، *فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ٤، صص۱٦۳-۱۸٤.

Berger, M. (2010), *Realign and Islamic in Contemporary International Relations*, Clingendeal Diplomacy Papers, Netherlands Institute of International Relations, , No. 27, pp. 1-38.

Halliday, F. (2005), *the Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology*, Cambridge: Cambridge University Press.

Hunter, S.T. (2010), *Iran's Foreign Policy in the post-Soviet era*, Santa Barbara: Praeger.

Mannheim, K. (1971), *the Ideology and Sociological Interpretation of Intellectual Phenomena*, New York: Oxford University.

Murray, W. (1999), *the Making of Strategy: Rulers, States and War*, Cambridge: Cambridge University Press.

Payne, R.J. (1995), *The Clash with Distance Cultures*, New York: State University Press.

Rakel, E.P. (2007), "*Iranian Foreign Policy since the Iranian Islamic Revolution: 1979-2006*", PGT6: pp.158-189.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۴

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

خانی، محمد حسن، محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵)، «تأثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تاکید بر اندیشه امام خمینی(ره)» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش٤، زمستان ۹۵، صص ۱۱۷-۹۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]